

نماز گزاران سر برهنه

دکتر محمد فرید یونس

برای یک دوست عزیز و گرامی در یکی از مساجد توصیه شده است تا در وقت نماز سر خود را بپوشاند بهتر است. سؤال کرده‌اند که آیا کلاه به سرکردن در وقت ادای نماز ضروری است؟

زمان که در تلویزیون «صدا و سیمای افغانستان» در شمال کلیفورنیا (به تصدی برادران گرامی خلیل جان راغب و عظیم جان عظیمی) برنامه «ما و دین ما» را به پیش می‌بردم (1993 الی 2007) در یکی از برنامه‌ها گفته بودم که کلاه پوشیدن شرط نماز نیست مخصوصاً نماز گزار در دخولی سالون مسجد، کلاه یک نماز گزار دیگر را استفاده می‌کند و این خلاف حفظ الصحه است

در آنوقت یک برادر محترم انتقادی بر علیه من در هفته نامه «امید» به نشر سپرد که گویا من غلط می‌گویم و از یک کتاب که در پاکستان که حالا همه خوبتر آن کشور عقب مانده فرهنگی را می‌شناسند که هر روز در مدرسه به نام اسلام انتحاری تریبه میکند، برای اثبات قول خود، نقل قول کرده بود. من جواب را در ماهنامه کاروان نوشتیم که اینک همان جواب را که بیست و دو سال قبل نوشته بودم با شما عزیزان شریک می‌شوم. نا گفته نماند که بعد از آن برنامه و نشر جواب کلاه، استفاده کلاه عمومی به مراتب کم شد و حتی یک عده مساجد کلاه عامه را از مسجد اکثراً برداشتند. اینک اصل مقاله که بیست و دو سال قبل نوشته شده است

از برادر محترم که انتقادی به ارتباط ادای نماز مردان با سر پوشیده یا برهنه نوشته بودند (امید، شماره 3 اسد 1373) متشکرم، زیرا یقین دارم آن را با نیت خوب نوشته‌اند و «امید» هم آنرا با نیت نیک به چاپ رسانده است اما بیاییم محاسبه نماییم: بدانیم که اسلام چه میفرماید. بحث را به مذهب حنفی اختصاص دهیم، ورنه در احکام ستر عورت شافعیان زانوی مرد را به حساب عورت نه می‌آرند و حنفیان ضرورت ستر عورت را تا زانوی مرد میدانند

گرچه پوشیدن کلاه برای مردم در هنگام نماز رواست اگر زینت همان شخص در همان زمان و به همان سن و سال حساب شود، پوشیدن آن کلاه یا عمامه به حساب پسندیده می‌آید. اما حقیقت آن است که پوشیدن آن کلاه در نماز برای مردان نه فرض است و نه واجب و نه سنت. حتی در باره مستحب بودن آن در قرآن کریم و در حدیث شریف و در کتاب‌های معتبر مذهب حنفی حکمی نیامده است. اگر نماز بدون کلاه واقعاً مکروه می‌بود، صاحب «مختصر الوقایه» آنرا در متن خود کتاب مینوشت و کار را برای حاشیه نویس نه می‌گذاشت؛ حال آنکه در متن نه نوشته است و حتی حاشیه نویس هندی صد سال قبل (رواج عصر خود را در نظر میداشت) ضرورت کلاه را گفته است، باز هم قبول کرده که از روی خضوع سر برهنه نماز خواندن رواست و اگر آنرا در جمله مکروهات قلمداد کرده از روی رعایت رسوم مسلمانان هند در زمان او بوده است

البته بدون ستر عورت نماز روا نمیشود. اما ستر عورت حد اقل لباس است، حکمت خدای پاک را تقدیر کنیم که فرموده است: «ای بنی آدم زینت خود را در هر مسجدی بر گیرید» (اعراف 31) و این حکم را مخصوص مسلمانان نساخته و حتی نفرموده که زینت چیست و معنی آنرا به تشخیص عرف آدمیان هر زمان گذاشته است. در زمان حضرت رسول اکرم (ص) همه مسلمانان یک زینت نمی‌گرفتند. قبایل عرب رسم و رواجهای داشتند و هر کدام زینت دیگری. میدانیم به زودی اسلام از سرزمین عرب به قسمت بزرگ جهان آن زمان از ماوراءالنهر تا اندلس رسید و مردمان که مسلمان شده بودند بعضی با سر چادر و عقال (چهل تار) داشتند و بعضی کلاه و بعضی مانند هندیان و خراسانیان عمامه و بعضی نظر به عرف سر برهنه بودند. کلاه هم به صدها نوع بود. اسلام هرگز نگفت به طرز حجاز سر بپوشانید یا نه پوشانید. زیاده از هزار سال گذشت. طرز لباس و طرز پوشیدن سر مردان یا نه پوشیدن آن نزد مسلمانان از چین تا سینگال بارها و بارها تغییر یافت و هنوز تغییر می‌یابد. حکم اسلام بجاست یعنی ستر عورت مطلقاً شرط نماز است و زینت متعارف ضروری است، کلاه باشد یا نباشد. پیروی از موسم حج، حریم شریفین برویم؛ بنگریم که هزاران مرد سر برهنه نماز می‌خوانند زیرا کلاه پوشیدن را شامل زینت نه می‌دانند. یعنی بعضی کسان کلاه دارند و آنرا زینت می‌دانند و عرف مردم شان همان است و حاشیه نویس «مختصر الوقایه» که شاید در لکنهو و یا جالندر می‌زیسته نیز از همین جمله بوده باشد در تفسیر خواجه عبدالله انصاری (رح)، کشف الاسرار که عالیترین و نفیس‌ترین تفاسیر در ادبیات کلاسیک است، بیان تفسیر سوره اعراف آیه 31 را در باره زینت چنین می‌خوانیم، «به زبان علم، معنی این آیت ستر

عورت است در نماز و به زبان کشف زینت هر بنده در مقام مشاهدات ، حضور دل است و لزوم حضرت» .  
(تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید از خواجه عبدالله انصاری). بعضی فقهای بزرگ معاصر ما در افغانستان بشمول صد سال اخیر علمای جید تر از آن حاشیه نویس هندی بوده‌اند و هیچکدام به فرزند یا نواده خود نگفتند که نماز تو بدون کلاه مکروه می‌شود ، «تو مانند من حتمی دستار داشته باشی». در هیچ کتاب دینیات مکاتب نیامده (وقتی که ما جوان بودیم) که بدون کلاه نماز مکروه میشود. سخت‌گیری و سختی افزودن در نماز (بدون حکم قرآن و حدیث) در اسلام روا نیست. احادیث شماره 787 تا 810 در کتاب اللباس در صحیح بخاری شریف بیان میکند که موی و گیسوی سید المرسلین (ص) تا به شانه اش میرسد (بر عکس بعضی‌ها که تراشیدن سر را از لوازم دین میدانند) و در هیچ حدیث شریف راجع به کلاه یا چادر در باره حضرت رسول اکرم (ص) در هنگام نماز چیزی ندیده‌ام و ضرورت پوشاندن سر مرد در وقت نماز در کلام مبارک روایت نشده است  
میرسیم به مراسم حج: حاجی طواف ، صفا و مروه ، و عرفات را انجام میدهد و احرام به تن دارد، سرش برهنه است. هرگز نباید گفت احکام حج به نماز ارتباط ندارد. احکام حج به نماز سخت ارتباط دارد زیرا همان حاجی در شبانه روز در حالی که احرام به تن دارد نماز های پنجگانه را ادا می‌کند و سر او برهنه است. هم حاجی است و هم نماز گزار. اگر حاجی در آن هنگام ، کلاه و یا چادر بپوشد بصحت مناسک حج او آسیب میرسد یعنی در آن ایام کلاه پوشیدن منع است  
همه بکوشیم تا مسلمانان پیر و جوان را به نماز تشویق کنیم نه اینکه به گفته یک حاشیه نویس هندی نماز شانرا مکروه بدانیم یا بطرز مساجد پشاور بر سر شان کلاه بوریایی بگذاریم (که شاید روز قیل آنرا کسی پوشیده که بیماری سر و تکلیف جلدی داشته باشد). این کلاه بوریایی پشاور در مساجد کابل ، هرات ، مزار ، و قندهار دیده نمیشود و خلاف حفظ الصحه اسلامی ، مدنی و بین‌المللی میباشد. من به تمام مساجد در آمریکا و اروپا و همه جا ها پیشنهاد می‌کنم تا این کلاه بیت المال را از مساجد بردارند  
در پایان پیشنهادم این است که بگذارید هر چه بیشتر پیر و جوان ما سر برهنه یا سر پوشیده سر به مسجد بگذارند و برای حال زار مردم در بدر ما دعا کنند تا خداوند عذابی را که در اثر بی‌نمازی ، ناشکری و حتی کفر و الحاد پانزده سال پیش بالای ما نازل کرده ، رفع کند. آمین  
مضمون 22 سال قبل دوباره مورخ 21 اکتوبر 2016 به رشته قلم در آمد